

اصلاح الگوی مصرف در اقتصاد و نظام بانکی

تدوین: اکبر کشاورزبان پیوستی، کارشناس امور اقتصادی بانک سپه

مقدمه

در جامعه‌ای که اقتصادش به شدت دولتی است، رانتهای متنوع اقتصادی در بخشهای اقتصادی وجود دارد، یارانههای پرداخت شده، به ویژه در بخش انرژی، قسمت اعظم بودجه کشور را به خود اختصاص می‌دهند، واردات کالاهای مصرفی در حال افزایش است و... اصلاح الگوی مصرف یک موهبت الهی است و در صورت اجرای دقیق سیاست اصلاح الگوی مصرف در زندگی فردی و سازمانی هر ایرانی، بسترهای رشد و توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی فراهم خواهد شد.

یکی از مهمترین بخشهای اقتصادی کشور، بازار پول و نظام بانکی است. نظام بانکی در اقتصاد و تنظیم روابط مالی مردم و بنگاهها و در نهایت، در افزایش سطح رفاه جامعه نقش اساسی دارد و برعکس در ایجاد بحرانهای مالی نیز همواره جلوتر از سایر عوامل و متغیرهای اقتصادی حرکت می‌کند. بر این اساس، اصلاح الگوی مصرف در این بخش پیشرو، نه تنها باعث افزایش کارایی و بهره‌وری در سیستم بانکی می‌شود، بلکه در تنظیم تعادل در روابط اقتصاد کلان و بهبود وضعیت اقتصادی مردم هم نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

در این مقاله ابتدا به بررسی اصلاح الگوی مصرف در اقتصاد کلاسیک می‌پردازیم و بعد اصلاح الگوی مصرف در کشورهای جهان سوم و اقتصاد ایران را مورد بررسی قرار می‌دهیم. اصلاح الگوی مصرف در ایران با بررسی اجمالی برخی از واقعیت‌های تاریخی و ساختاری ادامه می‌یابد و سپس به تشریح طرح تحول اقتصادی و رابطه آن با اصلاح الگوی مصرف در کشور پرداخته می‌شود. بخش چهارم مقاله به رابطه مبانی اعتقادی و فرهنگی مردم با اصلاح الگوی مصرف اختصاص دارد. در بخش پایانی نیز اصلاح الگوی مصرف در نظام بانکی بررسی شده و به برخی از موارد اصلاح الگوی مصرف به اجمال اشاره شده است.



آدام اسمیت، کاشف دست نامریی!

اصلاح الگوی مصرف و مبانی اقتصادی

۱) اصلاح الگوی مصرف در اقتصاد کلاسیک (تناقص خست): در اقتصاد کلاسیک حاکم بر غرب، مهمترین عامل در اصلاح الگوی مصرف، براساس عقلانیت اقتصادی مردم، سطح واقعی قیمت‌ها است. به عبارت دیگر، نظام اقتصادی برای اصلاح الگوی مصرف خانوارها، بنگاههای اقتصادی و مخارج دولت، با نهادینه کردن مبانی بازار رقابتی در جامعه، از ابزار قدرتمند سطح قیمت کالاها و خدمات (و به تعبیر آدام اسمیت، از دست نامریی) استفاده می‌نماید. این ابزار خارق‌العاده، در تنظیم امور اقتصادی کشورها نقش بنیادی داشته و به عنوان مهمترین عامل در ایجاد تعادل در اقتصاد قلمداد می‌شود. بر این اساس، سیاستگذاران اقتصادی کشورهای غربی، فارغ از مبانی اعتقادی و براساس مبانی اقتصادی، با استفاده از ابزار قیمت، مدیریت مصرف جامعه را در دست دارند. از منظر دیگر، اقتصاد کلاسیک در مبانی تئوریک خود مشوق افزایش مصرف است و علوم اقتصادی ثابت کرده است که با کاهش مصرف در بلند مدت، تولید و رشد اقتصادی نه تنها افزایش نمی‌یابد، بلکه روند کاهشی خواهد داشت که این

اصلاح الگوی مصرف در بازار پول و نظام بانکی، نه تنها باعث افزایش کارایی و بهره‌وری در سیستم بانکی می‌شود، بلکه در تنظیم تعادل در روابط اقتصاد کلان و بهبود وضعیت اقتصادی مردم هم نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.



با اصلاح الگوی مصرف در بخش دولتی، اقتصاد ایران چابکی لازم را به دست خواهد آورد و به قله‌های رشد و توسعه صعود خواهد کرد.

اصلاح الگوی مصرف و افزایش سطح پس‌انداز در کشورهای در حال توسعه که با کمیابی سرمایه و سرمایه‌گذاری مواجهند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

عامل در رشد و توسعه اقتصادی کشورها شناخته می‌شود. به غیر از عامل سرمایه که به عنوان موتور رشد و توسعه کشورها قلمداد می‌شود، یک مسأله فرهنگی نیز در کشورهای جهان سوم، از جمله ایران وجود دارد که نیاز به اصلاح الگوی مصرف مردم دارد. در کشورهای در حال توسعه، فرایند تبدیل شدن سرمایه به سرمایه‌گذاری دارای مشکل است. به عبارت دیگر، در کشورهای پیشرفته، از ۱۰ واحد سرمایه، بیش از نه واحد به سرمایه‌گذاری تبدیل شده و منجر به افزایش تولید و رشد اقتصادی می‌شود، اما در کشورهای در حال توسعه، از ۱۰ واحد سرمایه، کمتر از پنج واحد به سرمایه‌گذاری منجر می‌شود و این مسأله جنبه فرهنگی دارد. مردم در کشورهای جهان سوم، سرمایه و پس‌انداز خود را به خرید کالاهای مصرفی لوکس مانند انواع خودروهای وارداتی لوکس، انواع کالاهای وارداتی مصرفی لوکس، خرید طلا و جواهرات، خرید مستغلات اشرافی و ... اختصاص می‌دهند و کمتر سرمایه‌گذاری می‌کنند. البته برخی از این رفتار مردم به وضعیت اقتصادی کشور مانند نرخ تورم، ارزش پول ملی و ... مربوط است که بایستی توسط بخش دولتی اصلاح شود.

اصلاح الگوی مصرف و حرکت به سمت فرهنگ تشویق سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه، معمای توسعه نیافتگی این کشورها با وجود سرمایه‌های عظیم طبیعی (به ویژه در ایران با وجود سرمایه عظیم نفت) را حل می‌کند.

مسأله را به عنوان "تناقص خست" در اقتصاد می‌شناسیم. پدیده تناقص خست (با فروض مربوطه) ثابت می‌کند که اگر در جامعه، مردم خست به خرج دهند و مصرف خود را کاهش دهند و بر پس‌انداز خود بیفزایند، نه تنها افزایش تولید و رشد اقتصادی تحقق نمی‌یابد، بلکه با کاهش رشد تولید مواجه می‌شویم. با این استنباط، در کشورهای توسعه یافته، مصرف‌گرایی گسترش یافته و همواره نگران کاهش مصرف هستند که نتیجه آن رکود اقتصادی است.

۲) اصلاح الگوی مصرف در اقتصاد کشورهای در حال توسعه: در بخش قبلی، اقتصادهای پیشرفته مورد بحث قرار گرفت و فروض مربوط به اقتصاد کلاسیک از جمله اشتغال کامل، بازار رقابتی و ... تقریباً در آن کشورها حاکم بوده و کمبود سرمایه در آن‌ها خیلی محسوس نیست، اما در کشورهای در حال توسعه مهمترین چالش اساسی، کمبود سرمایه است و متفکران اقتصاد توسعه اعتقاد دارند که تنها راه پیشرفت کشورهای جهان سوم، افزایش سرمایه می‌باشد. این اندیشمندان اعلام می‌کنند که کشورهای در حال توسعه در صورتی می‌توانند به جمع کشورهای توسعه یافته بپیوندند که نسبت پس‌انداز ملی به تولید ناخالص داخلی آن‌ها حداقل برای یک ربع قرن، بیش از ۲۵ درصد باشد. بنابراین، اصلاح الگوی مصرف و افزایش سطح پس‌انداز در کشورهای در حال توسعه که با کمیابی سرمایه و سرمایه‌گذاری مواجهند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به عنوان مهمترین



یکی از معضلات اساسی در اقتصاد ایران، استقبال مردم از اجناس خارجی براساس عقلانیت اقتصادی است.

کشورهای جهان برای واردات کالا از تعرفه‌های سنگینی بهره می‌جستند. فقدان سیاستگذاری منطقی در تجارت خارجی در طول تاریخ و تداوم برخی از آنها تا به امروز، باعث بوجود آمدن ترجیحات مردم برای استفاده از کالاهای با کیفیت خارجی شده و تولید داخلی را سرکوب و بی کیفیت کرده است. نمونه بارز این نوع سیاستگذاری را می‌توان در دهه اخیر و با ثابت بودن نرخ ارز و تداوم تورم داخلی مشاهده نمود. در طول این دوره، کالاهای داخلی حداقل ۱۰۰ درصد گران شده و این در حالی است که به دلیل ثابت بودن نرخ ارز، قیمت کالاهای خارجی تقریباً ثابت مانده است. این سیاست باعث شده است که تولیدکنندگان ایرانی به شدت متضرر شوند و به کالاهای خارجی امتیاز داده شده است.

***ظهور نفت و به ریختن نظم اقتصادی در ایران: اکتشاف نفت در ایران نه تنها باعث تشدید وضعیت سوق‌الجیشی ایران برای کشورهای غربی شد و نفوذ نامبارک آنها را در کشور استحکام بخشید، بلکه از منظر اقتصادی نیز به تدریج نظم حاکم بر اقتصاد ایران را بر هم زد و با ایجاد قدرت فوق‌العاده در حکومت مرکزی، باعث ایجاد فاصله بین دولت و مردم، تمایل گروه‌ها به حکومت مرکزی برای کسب منافع، رواج فرهنگ چاپلوسی، تلاش اقشار مختلف برای رسیدن به رانت‌های حاصل از نفت، به هم ریختن سنج‌ها و تناسب کار و دستمزد، پیمودن ره صدساله برای رانت‌خواران، فربه شدن دولت مرکزی و ظهور پدیده Out Crowding (جان‌شینی و حاکمیت دولت در بخش صنایع و به حاشیه رانده شدن بخش خصوصی) در بخش‌های مختلف تولیدی به مدد دلارهای نفتی و بهره‌گیری از رانت دولتی، به هم خوردن نظم حاکم بر بخش کشاورزی، تغییرات نظام‌های پولی و ارزی و ... شد که در آن واردات کالاهای مصرفی، یارانه‌های بخش‌های مختلف به ویژه انرژی، روند نزولی بهره‌وری و کارایی در بنگاه‌های اقتصادی، به ویژه در بخش دولتی، رانت‌های اقتصادی پنهان، بازارهای ناکارآمد پول و سرمایه، جهش نقدینگی و تورم و ... به عنوان چالش‌های اساسی در آمده است. بخش**

۳) اصلاح الگوی مصرف در اقتصاد ایران: ایران یک کشور جهان‌سومی است که بیش از ۶۰ سال است که در تقسیم‌بندی جهانی، از جمله کشورهای در حال توسعه به حساب می‌آید، ولی هنوز به جمع کشورهای توسعه یافته نپیوسته است. این در حالی است که کشورهایی که بعد از ایران شروع به رشد و توسعه نمودند، به سطح کشورهای توسعه یافته ارتقا یافته‌اند و از وضعیت اقتصادی مطلوبی برخوردار هستند. حال سوال اساسی اینجاست که "چرا اقتصاد ایران، علیرغم منابع عظیم طبیعی، توسعه نیافت؟" به نظر می‌رسد که جواب اصلی این پرسش در پیام نوروژی مقام معظم رهبری در خصوص اصلاح الگوی مصرف دولت، بنگاه‌های اقتصادی و خانوارها نهفته است. مرور اجمالی وضعیت اقتصادی ایران، به ویژه در خصوص تجارت خارجی و نفت، نشان می‌دهد که یکی از دلایل اصلی عدم توسعه کشورمان، الگوی نامناسب مصرف در بخش‌های مختلف اقتصادی و به هم ریختن نظم و تعادل اقتصادی است که عدم اصلاح آن مانع اصلی رشد و شکوفایی قلمداد می‌شود.

مرور وضعیت کلی اقتصاد ایران

هدف از این بخش، به تصویر کشیدن الزامات موجود برای اصلاح الگوی مصرف در اقتصاد ایران است. به عبارت دیگر، مشکلات ساختاری اقتصاد ایران که ریشه آن را بایستی در تاریخ تحولات اقتصادی کشورمان جستجو کرد، باعث شده است که بیشتر ابزارهای موجود برای ایجاد تعادل در علوم اقتصادی از اثربخشی لازم برخوردار نباشند. این خلا در ابزار سیاستگذاری اقتصادی، بهره‌گیری از مبانی اعتقادی در خصوص اصلاح الگوی مصرف را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

***فقدان سیاستگذاری منطقی در تجارت خارجی:** یکی از معضلات اساسی در اقتصاد ایران، استقبال مردم از اجناس خارجی براساس عقلانیت اقتصادی است، به نحوی که مردم علیرغم داشتن روحیه ملی‌گرایی و اسلامی، کالاهای وارداتی را ترجیح می‌دهند. دلیل این تناقض در رفتار مردم در چیست؟ پاسخ این سوال ریشه در تاریخ تحولات تجارت خارجی کشور دارد. ایران تا دوره انقلاب صنعتی، صادرکننده محصولات استراتژیک آن دوره (یعنی ابریشم، پارچه، فرش و ...) به کشورهای غربی بود، اما بعد از باز شدن پای کشورهای غربی به ایران و مشاهده فقدان شناخت شاهان ایرانی از تحولات جهان و عدم دانش و بینش در خصوص اقتصاد بین‌الملل، کشورهای غربی با افزایش فشارهای سیاسی و نظامی، یک ظلم بزرگ اقتصادی را در این راه انجام دادند و آن هم اخذ امتیاز صدور کالاهای غربی به ایران بدون تعرفه و حتی در برخی مقاطع تاریخی با اخذ امتیاز بوده است. این امتیازات باعث ضعف نهادهای تولیدی و بازرگانی در ایران شد و مطالعه تاریخ اقتصاد ایران نشان می‌دهد که اعتراض صنعتگران، تولیدکنندگان و برخی از بازرگانان کارساز نبوده و این روند تداوم داشته است. این امتیازات در مقطعی داده می‌شد که

یکی از دلایل اصلی عدم توسعه کشورمان، الگوی نامناسب مصرف در بخش‌های مختلف اقتصادی و به هم ریختن نظم و تعادل اقتصادی است.

**بانک مرکزی
می تواند با ایجاد
فضای رقابتی بین
بانک ها (اعم از
خصوصی و دولتی)
در افزایش کارایی
نظام بانکی مؤثر
باشد.**

بنگاه های اقتصادی دولتی (از طریق ایجاد فضای رقابتی و خصوصی سازی) به سوی افزایش بهره‌وری و کاهش قیمت تمام شده کالاها حرکت کند تا کالاهای عمومی با قیمت های واقعی تحویل مردم شود. در مرحله بعد با این علایم قیمتی و با تکیه بر عقلانیت اقتصادی، باید اصلاح الگوی مصرف در بنگاه های اقتصادی و خانوارها مورد اهتمام قرار گیرد.

مبانی اعتقادی و اصلاح الگوی مصرف

در کنار اصلاح قیمت ها و با تکیه بر مبانی اعتقادی دولت اسلامی و مردم مؤمن، می توان روند اصلاح الگوی مصرف در جامعه ایرانی را برای رسیدن به قله های رشد و شکوفایی اقتصادی تسریع نمود. صرفه جویی و احتراز از اسراف و تبذیر، ریشه در اعتقادات اسلامی و ایرانی دارد و با کار کارشناسی جامعه شناختی اقتصادی، می توان راهکارهای عملیاتی را برای دولت، بنگاه های اقتصادی و خانوارها استخراج نمود.

اصلاح الگوی مصرف در نظام بانکی

(۱) اصلاح الگوی رفتاری دولت در نظام بانکی: اصلاح الگوی رفتاری دولت در نظام بانکی را می توان در محورهای زیر مورد توجه قرار داد:

* **استقلال نسبی بانک مرکزی:** یکی از چالش هایی که در انجام رسالت نهاد بانک مرکزی در اقتصاد ایران وجود دارد، عدم استقلال آن است و این موضوع سبب برخی از عدم تعادل های اقتصادی در کشور شده است. دولت با اصلاح الگوی رفتاری خود در خصوص نظام بانکی، به ویژه بانک مرکزی، بسترهای مناسبی را برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور فراهم خواهد کرد.

اعظم این مشکلات ساختاری، تنها با اصلاح الگوی مصرف، به ویژه با توسل جستن به اصول اعتقادی و تحولات اساسی در قیمت کالاها و خدمات، مرتفع می شود.

* **فربه شدن دولت و اختلال در عملکرد بخش خصوصی:** بررسی بودجه سالانه کشور نشان می دهد که اقتصاد ایران به شدت وابسته به نفت بوده و علیرغم اینکه در همه برنامه های توسعه قبل و بعد از انقلاب، شعار قطع وابستگی به نفت، محوریت داشته است، اما وابستگی اقتصاد کشور به نفت همواره بیشتر شده است. نکته مغفول در این وابستگی، سرازیر شدن پول فروش نفت خام و عملکردهای ضعیف در امر سیاستگذاری کلان اقتصادی در طول یکصدسال اخیر بوده است. سپس اقتصاد نفتی به مرور تبدیل به اقتصاد دولتی شده و در این فرایند به دلیل استقلال مالی دولت، به خواسته های بخش خصوصی پرداخته نشده است. بررسی های انجام شده در مؤسسات معتبر بین المللی، ایران را از لحاظ شاخص محیط مناسب کسب و کار بخش خصوصی و درجه دولتی بودن اقتصاد کشور، در وضع ناپسندی قرار داده است.

تفسیر اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انقلابی از نوع اقتصادی برای کشور محسوب می شود و با اصلاح الگوی مصرف در بخش دولتی، اقتصاد ایران چابکی لازم را به دست خواهد آورد و به قله های رشد و توسعه صعود خواهد کرد.

طرح تحول اقتصادی، ابزار قیمتی اصلاح الگوی مصرف

علیرغم اینکه دولت نهم در سال های نخست، طرح تثبیت قیمت ها و افزایش یارانه ها را اجرا نمود، اما مطرح شدن طرح تحول اقتصادی به عنوان ابزار مهم ایجاد تعادل پویای اقتصادی، ثابت نمود که ایران برای رشد و توسعه پایدار، بایستی در کوتاه مدت یا بلند مدت به سمت اجرای این طرح حرکت نماید. اجرای این طرح گامی در جهت تحقق اهداف اصلاح الگوی مصرف در جامعه می باشد.

متفکران اقتصاد ایران در اجرای طرح تحول اقتصادی، به نکات قابل ملاحظه ای اشاره می نمایند و تأکید دارند که اجرای این طرح بایستی حساب شده و بسیار دقیق باشد. مهمترین بحث اندیشمندان اقتصادی در طرح تحول اقتصادی، به غیر از ایجاد تورم مقطعی، پایین بودن کارایی و بهره‌وری در بنگاه های اقتصادی (به ویژه دولتی) در تولید انرژی و سایر کالاهای عمومی است. اگر در طرح تحول اقتصادی مقرر شده است که کالاهای عمومی با قیمت تمام شده به مردم ارائه شوند، اقشار مختلف مردم بایستی افزایش قیمت هایی را تحمل نمایند که از طریق پایین بودن بهره‌وری و کارایی صنایع ایجاد شده است و به دلیل انحصاری بودن این نوع کالاها، دیگر هیچ وقت مجالی برای اصلاح آنها نخواهد بود و اقتصاد همواره با عدم کارایی پیش خواهد رفت که آینده ای مبهم را ترسیم می نماید.

بر این اساس، در دوره کوتاه مدت بایستی ابتدا دولت به افزایش کارایی و بهره‌وری در درون خود بپردازد و سپس در

... سپس اقتصاد نفتی به مرور به اقتصاد دولتی تبدیل شد.

بالا، سپرده‌گذاری نمایند و منابع به بخش سوداگری هدایت شده و رشد و توسعه سرمایه‌گذاری و تولید اتفاق نیفتد. از منظر دیگر، بانک مرکزی با ایجاد فضای رقابتی در بین بانک‌ها (خصوصی و دولتی) می‌تواند در افزایش کارایی نظام بانکی مؤثر باشد. در سال‌های اخیر، بانک مرکزی با هدف رشد بانک‌های خصوصی، فضای رقابتی ناسالمی را در خصوص نرخ سود سپرده‌ها برای بانک‌ها تعریف کرده بود و این امر باعث رشد بانک‌های خصوصی شد، اما در سال ۱۳۸۷، سیاست یکسان‌سازی نرخ سود برای بانک‌های دولتی و خصوصی دنبال شد و در صورت نظارت دقیق بر اجرای آن، یکی از مهمترین عناصر فضای رقابتی سالم در بازار پول شکل خواهد گرفت.

***نرخ سود تسهیلات اعطایی:** یکی از اصول مهم در تخصیص بهینه منابع به بخش‌های مختلف اقتصادی، نرخ بازده داخلی است که به عنوان یک معیار مهم در تصمیم‌گیری مالی، به ویژه در توجیه‌پذیری طرح‌های تولیدی و صنعتی مطرح است. براساس مبانی اقتصادی، در جامعه‌ای که با چالش کمیابی منابع برای سرمایه‌گذاری (مانند ایران) مواجه است، برای حداکثر سازی بهره‌وری و سطح رفاه جامعه، منابع بایستی به طرح‌هایی پرداخت شوند که بالاترین بازده سرمایه را داشته باشند، در غیر این صورت، اقتصاد در پایین نمودار پوش کارایی حرکت خواهد کرد.

روح بانکداری بدون ربا نیز با این واقعیت آمیخته است و تعیین نرخ سود در طرح‌های اقتصادی و امور بازرگانی هم با پیش‌بینی سود مورد انتظار عملیاتی می‌شود و مشتری در امور اقتصادی، شریک بانک بوده و بانک نیز تمایل به شراکت با آندسته از فعالان اقتصادی دارد که سود مورد انتظار خود را حداکثر نموده و در نهایت باعث ارتقای کارایی و رفاه در جامعه شوند.

با پایین بودن نرخ سود تسهیلات اعطایی در نظام بانکی، نه تنها کارایی فراموش شده، بلکه پدیده رانت نیز بوجود آمده است که به نظر می‌رسد خطرناک‌تر از فقدان کارایی باشد.

***کاهش تسهیلات تکلیفی:** تجربه اعطای تسهیلات تکلیفی نشان داده است که هزینه‌های مالی، اداری، پرسنلی، زمانی و در برخی موارد رانت‌های حاکم و فساد ایجاد شده در سازمان‌های درگیر با این نوع تسهیلات، بیشتر از مبلغ تسهیلات اعطایی از این محل بوده است. در صورت ایجاد فضای رقابتی در کشور و تعیین قیمت منابع و مصارف در بازار پول و در قالب عقود اسلامی، فرایند تخصیص منابع بهینه می‌شود و کارایی سیستم افزایش می‌یابد. پس دولت با اجرای سیاست‌های پولی موردنظر می‌تواند در راستای ایجاد این فضا و اصلاح الگوی قبلی گام بردارد.

(۲) اصلاح الگوی رفتاری بانک مرکزی: نقش و پیامدهای اصلاح الگوی رفتاری بانک مرکزی نیز در سه محور زیر قابل بحث است:

***تعیین قیمت منابع و مصارف در بازار پول:** حاکمیت اقتصاد دولتی در ایران باعث شده است که بازار پول کشور نیز از عملکرد دولت متاثر شود و قیمت‌های (نرخ سود) حاکم بر بازار پول غیرواقعی شده و به عبارت دیگر، سرکوب مالی در نظام بانکی کاملاً مشهود است. البته سیاستگذاران پولی و بانکی کشور در فضایی که اکثر قریب به اتفاق قیمت‌ها غیرواقعی می‌باشند، مجبور به دستوری نمودن برخی از قیمت‌های بازار پول هستند. چنانچه قیمت‌های کالاها و خدمات در کشور به سمت واقعی شدن حرکت نماید، اصلاح قیمت‌های منابع و مصارف و در نتیجه، اصلاح الگوی مصرف در نظام بانکی نیز اجتناب‌ناپذیر است.

***نرخ سود سپرده‌ها:** نرخ سود واقعی سپرده‌ها در نظام بانکی کشور، با عنایت به نرخ تورم حاکم بر اقتصاد ایران، در سطح پایینی قرار دارد. با مطالعه ترکیب سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت در بانک‌های کشور، می‌توان استنباط کرد که پایین بودن نرخ سود سپرده‌ها در سال‌های اخیر باعث شده است که حجم سپرده‌های کوتاه‌مدت در حال افزایش و حجم سپرده‌های بلندمدت در حال کاهش باشد. تداوم این روند باعث خواهد شد که فعالان اقتصادی نقدینگی خود را در بازار غیررسمی پول و با قیمت‌های بسیار

منابع و ماخذ

- ۱) برانسون، ویلیام اچ/ ۱۳۸۳/ تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان / ترجمه: عباس شاکری / تهران / نشر نی.
- ۲) رنانی، محسن / ۱۳۷۶/ بازار یا نابازار؟ تهران / سازمان برنامه و بودجه.
- ۳) عظیمی، حسین / ۱۳۸۴/ مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران / تهران / نشر نی.
- ۴) عظیمی، علی / ۱۳۸۰/ سرکوب مالی و تاثیر آن بر سرمایه‌گذاری خصوصی / پایان‌نامه کارشناسی ارشد / دانشگاه شیراز.
- ۵) جلیلی، محمد / ۱۳۸۷/ نظام جامع سنجش اعتبار / تهران / ترمه با همکاری شرکت مشاوره رتبه‌بندی اعتباری ایران.
- ۶) جمشیدی، سعید / ۱۳۸۷/ شبوه‌های اعتبارسنجی مشتریان / تهران / پژوهشکده پولی و بانکی / چاپ چهارم.
- ۷) کشاورزبان پیوستی، اکبر / ۱۳۷۹/ برآورد تابع سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش صنعت ایران / پایان‌نامه کارشناسی ارشد / دانشکده اقتصاد / دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۸) گریفین، کیت / ۱۳۷۵/ راهبردهای توسعه اقتصادی / ترجمه حسین راغفر و محمدحسین هاشمی / تهران / نشر نی.
- ۹) امیر، جerald / ۱۳۷۸/ مباحث اساسی اقتصادی توسعه / ترجمه: غلامرضا آزاد (ارمکی) / تهران / نشر نی / جلد اول و دوم.
- ۱۰) هادی زنون، بهروز / ۱۳۷۹/ راهبردهای تجاری و توسعه صنعتی در ایران / فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی / شماره ششم / تهران / دانشگاه علامه طباطبایی.